

این مقاله بر اساس نیاز جامعه هنری و دانشگاهی بخش های هنر و فلسفه در رابطه به هنر های مفهومی (Conceptual Art) بعد از تحقیق دو ماهه در تابستان سال 1395 ه ش تحریر گردیده است.

روش های بیان هنر های مفهومی

مقدمه

هنر مفهومی نوعی از ارائه اثر هنری است که در خلق اثر ذهن هنرمند بیشتر اهمیت میگیرد تا چشم هنرمند، در این روش هنری هنرمند اثرش را بر اساس نفی زیبایی شناسی، روی عدم قاعده گرایی و روی اساسات سنت شکنی هنر کلاسیزم پیریزی مینماید تا ذهن تماشاچی را بیشتر از چشمش مشغول سازد. معمولاً هدف هنرمند در ایجاد و خلق اثر که بصورت انتزاعی و هنجار شکنی به میان می آید، میتواند برای زمان کوتاه، موقتی و گذرا و یا بصورت دایمی و ماندگار باشد که البته به شیوه بیان اثر تعلق می گیرد تا خواست هنرمند و یا بیننده. به این ترتیب اثر هنر مفهومی متناسب به عملکرد کلی و روابط عمومی میان اجزایش خصوصیت تغییر پذیر دارد. به همین دلیل در نزد هنرمندان این حرکت هنری، اثر هنری و روابط آن با انسان، طبیعیت و زیبایی شناختی از منظر غیر از مدرنیزم مجدداً مورد پرسش و تردید قرار میگیرد.

هنرمندان هنر مفهومی به شیوه های متنوعی که بعداً از آن تذکار بعمل خواهد آمد، سعی به خرچ داده اند تا آثار هنری شان را با زیبایی شناسی متناسبی معنی کنند. آنها در حقیقت طبیعیت هنر را به روش صریح و توصل به ارائه مفهوم اشیا به شکل های مختلف مورد سوال قرار میدهند، بدون این که به شکل ذهنی و صورت خیالی اثر اهمیت داده شود.

در این سبک هنری رابطه هنرمند با مخاطب و اثر هنری دگرگون میشود. به این معنی که هنرمند تکیه به منطق فردی خودش و با استفاده از امکانات و توانایی های هنریش در خلق اثر استفاده مینماید که نقطه مرکزی خلق اثر را مفهوم اثر که در ذهن هنرمند پرورانیده شده، تشکیل میدهد. زیبایی شناختی با مفهوم هنری های کلاسیزم منتفی گردیده و مفهوم زیبایی شناسی نیز همانند خلق آثار هنری متحول شده به مفهوم اثر تمرکز مینماید. بیننده و هنرمند زیبایی اثر هنری را در مفهوم اثر مبینند تا در محتویات تجسمی اثر.

این شیوه هنری در جوامعی پیریزی میگردد که اصول مدرنیزم در زندگی اجتماعی انسان ها برایش جای پا باز نموده، نه تنها جاه پا باز نموده بلکه پاره از اصول زندگی گردیده و اصول سنت شکنی، هنجار شکنی و فرار از اصول و قواعد کلاسیزم در حال گسترش بوده و یا در بیشترین ساحات زندگی حاکم میباشد. در جوامع سنتگرا این هنر از اهمیت کمتری برخوردار بوده و به مشکل و دیر به کاروان نیاز های مدرنیسم خواهند پیوست. هرچند نیاز های زندگی اجتماعی در جوامع سنت گرا که بر اصول جوامع قرون اسطی به پیش میرود، اشد ضرورت احساس می نماید تا هنرمندان با خلق آثار هنری که در کمترین زمان و اندک هزینه ممکنه مفهومی ترین مفاهیم که زندگی اجتماعی بخاطر تغییر به آن نیاز دارد، پیام های مناسبی را برای اجتماع برساند تا همین مفاهیم تحول و تغیر بنیادی را باعث گردد.

در آغازین دهه های قرن 20 تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در اروپا باعث یک بینش جدید در بین هنرمندان بمیان آورد. جنگ اول جهانی بزرگترین پدیده مخرب و ویران کننده بود که در شکل گیری این بینش جدید و شیوه هنری

نقش برجسته بازی کرد . بعد زمان به حیث چهارمین بعد در خلق آثار جاه پا باز نموده و در خلق آثار هنری از اهمیت خاصی برخوردار گردید ، هرچند عده زیادی از مردم به روال کلاسیزم بر ابعاد زندگی اجتماعی می نگریستند . شکل گیری مدرنیسم بر اساس تنوع ، تجدد ، فردپرستی و نفی سنتهای ماقبل خود منجر به ظهور شیوه ها و مکتبهای گوناگونی در هنر غرب شد که یکی پس از دیگری شکل گرفت و هنرمندان با داشتن نقش اساسی این مکاتیب را پایه گذاری نمودند . و نبض مدرنیستی مردم در پذیرش این مکتب ها جایگاه خاصی پیدا کرد . دلایل دیگری نیز در شکل گیری مکاتیب هنری جدید در غرب محسوس است که مهمتر از همه خواست هنرمندان از کشاندن آثار هنریشان بر ساحات عامه بشکل غیر موزیمی و دور از گالری ها میباشد . دیدگاه و خواستهای مردم در رابطه به سنت ها و چهار چوب های ترسیم شده برای زندگی در ابعاد مختلف زندگی تغییر کرده و یک نوع آرزوی همه گانی مبنی بر حنجر شکنی و شکست چهارچوب های بسته زندگی در آرا مردم به عنوان خواست های بزرگ اجتماعی شکل گرفته بود که زمینه را هرچه بیشتر برای شکل گیری هنر های مفهومی مساعد ساخت . مخصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی که تلفات عظیم مادی و معنوی جامعه اروپا را متأثر ساخته بود ، زمان از اهمیت خاصی برخوردار گردید و تولید چپستی ها به آن بیشتر توجه صورت میگرفت تا در اندک زمان ممکنه چپستی مورد نظر تولید و به دسترس نیازمندان قرار گیرد . هنرمندان در این دوره تلاش به ایجاد آثاری نمودند تا بصورت کوتاه مدت آثار مفهومی شان خلق و در محضر عام قرار گیرد و گاهی هم در سالون های اجتماعات عمومی به نمایش گذاشته شود . این فلسفه دید هنری باعث گردید تا شیوه و مکتب های هنر های مفهومی یکی پس از دیگری و به سرعت ایجاد گردد.

هنرمندان در این شیوه هنری بیشتر تحت فشار های ذهنی به خلاقیت میپردازند . به نقل از میثم حاتمی هنر های مفهومی (نحوه ای از ارایه اثر هنری معاصر است که در آن اندیشه و مفهوم خاصی - که معمولاً فردی، پیچیده و کلی است به صورت انتزاعی و غیر قاعده مند و بر اساس نفی زیبایی شناسی شکل به وجود می آید. هنر مفهومی با "مفهوم" به عنوان محتوای آثار هنری متفاوت است اما می توان آن را شکلی انتزاعی از اندیشه ای دانست که در ذهن هنرمند از معنا و اثر هنری بوجود می آید و سرانجام در ساختاری پیشنهادی و به دستورهای بسیار متنوع به نمایش گذاشته می شود.) و یا به نقل از دانشنامه ویکیپدیا (گونه ای از هنرهای تجسمی است که در آن مفهوم یا ایده موجود در اثر، بر زیبایی شناسی معمول و مواد به کار رفته برای خلق آن اولویت دارد. در هنر مفهومی ایده یا مفهوم ، مهم ترین جنبه کار است). یکی دیگر از فلسفه هنرمندان هنر های مفهومی نفی های پیش از ایشان است به این معنی که شیوه خلق آثار هنری ، مواد بکار رفته در آثار ، ابعاد متشکله آثار هنری بطور اخص بعد زمانی که زندگی مدرنیسم به آن از زاویه خاص می نگرد ، را مباحثی تشکیل میدهد که توسط هنرمندان هنر های مفهومی مورد نفی قرار میگیرد . هر چند فلسفه و دیدگاه چنین نفی در رابطه به نفی موزیم و کار های موزیمی شکل گرفته بلکه بعد از گذر زمانی تعدادی از آثار هنرمندان مدرنیست ها نیز موزیمی گردیدند .

پیشینه تاریخی

مطالعه تاریخ زندگی بشر به کرار ثابت نموده که تحولات بزرگ سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی بصورت آنی امکان پذیر نبوده بلکه قبل از بوقوع پیوستن ، میبایست شرایط عینی و ذهنی تحول در بستر جامعه و کلکتیف انسانی مهیا گردد تا روحیه پذیرش ایجاد و زمینه تحول را مساعد سازد . تخریبات شهر ها در اثر جنگ جهانی اول ، رکود اقتصادی در کشورهای اروپایی مخصوصاً کشور های درگیر جنگ ، نیاز دوباره سازی زندگی اروپائیان بعد از جنگ ، نزج گیری جنبش های فکری (منیمالیزم ، آوانگارد ، مدرنیسم و متعاقباً پست مدرنیسم) ، اهمیت پذیری زمان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی مخصوصاً امورات هنری ، ظهور تکنالوژی پیشرفته و ده ها پدیده جدید مجموعه از پیش زمینه های عینی و ذهنی محسوب میگردد که زمینه را برای شکل گیری مکتب هنر های انتزاعی مساعد ساخت .

جهت مطالعه سیر تاریخی بوجود آمدن هنر های مفهومی نیاز میرم به مطالعه حوادث ، روش های فکری ، طرز بیان دیدگاه های سیاسی اجتماعی و اقتصادی قرن بیست مخصوصاً نیمه اول آن دارد . مدرنیسم و پست مدرنیسم ، اوانگارد و نیمالیسم چهار طرز تفکر و جنبش های فکری است که در نخستین نیمه قرن بیست در اثر جنگ اول جهانی و قسماً جنگ دوم جهانی زمینه گردید تا با حرکت های انتزاعی دوشان هنر های مفهومی را اساس گذاری نماید . در این جنبش های که در عرض کمتر از یک قرن شکل گرفت تعدادی زیادی از هنرمندان بصورت مستقیم و غیر مستقیم در بیان مفهومی آیده ها و دیدگاه ها نقش ارزنده داشته است .

رشد و انکشاف جامعه ، انقلاب تکنولوژیکی و حوادث سیاسی اجتماعی اقتصادی نیمه اول قرن بیست مخصوصاً وقوع جنگ های اول و دوم جهانی باعث گردید تا هنرمندان مفهومی دیدگاه های هنری شان را به شیوه های جدید که بر مبنای نفی زیبایی شناسی کلاسیزم شکل می گرفت در انظار عامه قرار دهند ، ثبت تصویر های متحرک باعث بوجود آمدن ویدیو آرت گردیده ، خلاطه گرایان بر اساس اشکال هندسی و ریاضیکی دیدگاه های شانرا بصورت بسیار ساده در قالب آثار هنری در مقابل دید مردم و هنرجویان قرار دادند . عده از هنرمندان با انستال (چیدن) وسایل و ابزار گوناگون طرح های زیبایی انتزاعی را در فضا های بزرگ باعث ایجاد سبک انستالیشن گردیدند . در انگلستان زبان به حیث هنر آثار هنر مفهومی را بمیان آورد . در امریکا هنرمندان از گارگاه های هنری بیرون برآمده و به طبیعت رفته در مزارع و دشت ها و ریگستان ها آثار هنر لند ارت را خلق نمودند ، عده دیگر از هنرمندان با استفاده از مواد طبیعی چون شاخه های درختان ، برگ ، سبزه ، ریگ ، جغل و سایر مواد طبیعی باعث بوجود آمدن هنر محیطی گردیدند .

این جنبش های فکری و هنری هرچند از لحاظ ترکیب و کمپوزیشن مواد از هم متفاوت میباشد ولی از لحاظ محتوا و مفهوم با هم شباهت های زیادی دارند که منشا گرفته است از مناسبات اجتماعی و اقتصادی جوامع مدرنیته غربی . این سبک ها در قالب های هنری ده گانه شکل گرفته و از لحاظ بستر زمانی قرن بیست و بصورت اخص بعد از دهه 1960 میلادی آغاز و تا اکنون که این یادداشت ها تحریر میگردد ، ادامه دارد.

جنبش هنر "آزاد برای همه" و وسیعی در اواسط دهه 1960 آغاز شد و بیش از یک دهه دوام آورد . این جنبش عرصه گسترده و بسیار متنوعی از فعالیت های هنری را که به "کانسپچوال" ، "آیدیا" یا "اینفورمیشن" مشهور بودند ، و در کنار آنها گرایش های فرعی مشابهی چون "بادی آرت" ، "پرفورمنس آرت" "ترتیبو آرت" را در بر می گرفت" (حاتمی رامشه ، 2: 10).

همه محققین و هنرمندان مفهومی به این باور اند که در دهه 60 قرن بیست بعد از مهیا شدن زمینه ها ، هنر مفهومی با روش های چیدمان ، اجرا ، بدنی ، زبان با استفاده و اهمیت دادن به مفهوم اصلی که در نزد هنرمند میباشد ، عرض اندام نموده و بصورت عملی پا به عرصه زندگی گذاشت.

مارسل دوشان اولین هنرمند انتزاعی است که آثار از قبل آماده را با نامگذاری مفهومی در نمایشگاهی گذاشت ، هرچند از طرف دوستان و راه اندازان نمایشگاه رد شد ولی زمینه را برای ایجاد اثر هنری توسط مواد حاضر و آماده در آینده ها مساعد ساخت . کاری را که دوشان انجام داد کوغ های آتشین خاکستر گرفته را با نسیم اندک نمایان ساخته علاقمندان را متحیر و مبتکرین را واداشت تا از این شیوه جدید در خلق آثارشان استفاده اعظمی نمایند . به نقل از میثم حاتمی حرف دوشان این بود که هنر بیشتر با انگیزه های هنرمند مرتبط است که کاری که با دستشان انجام میدهد یا احساسی که در باره زیبایی دارد ، چگونه اثری را با مفهومی جدید میتواند بوجود آرد . حاتمی در رابطه به نقش دوشان در شکل گیری هنر های مفهومی می افزاید " دوشان در مخالفت به سنتی که به نحو روز افزونی انتزاعی تر و فرمالیستی تر می شد و هنرمندان معاصرش چون پیکاسو ، ماتیس ، مندریان و مالویچ شکل دهندگان اصلی آن بودند (جنبش هنر برای هنر) آثار (حاضر و آماده) هنر به عنوان اندیشه را عرض کرد ، یا آنطور که نویسنده نوشته است : او این اعتقاد همیشه برانگیزاننده را مطرح کرد که از هر چیزی می توان اثر هنری ساخت". (حاتمی رامشه ، 2: 3)

بعد از طرح های انقلابی دوشان در هنر در فاصله بین دهه های 50 و 60 میلادی قرن بیست تحرکاتی هنری در اقصا نقاط اروپا و امریکا شکل گرفت و زمینه را برای پذیرش دیدگاه های این هنر مساعد ساخت . و این دوشان ، حرکت فردی را به حرکت گروهی راهنمایی کرد . فکر هنر به عنوان اندیشه دوشان به ناب ترین و گسترده ترین زیبایی خود دست یافت به نقل از حاتمی "در قالب افکار و اندیشه های تازه ای چون هنر به عنوان فلسفه ، به عنوان اطلاعات ، به عنوان زبان شناسی ، به عنوان ریاضیات ، به عنوان شرح حال نویسی ، به عنوان نقد اجتماعی ، به عنوان به خط انداختن زندگی ، به عنوان شوخی و به عنوان داستان گویی مطرح شد". (حاتمی رامشه ، 2: 4)

تحولات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و جنگ های دوگانه جهانی انسان ها را از سنت گرایی خسته ساخته و بصورت انفرادی و جمعی دنبال هنجار شکنی بودند مخصوصاً که بعد از جنگ دوم جهانی سیل مهاجرت ها شکل گرفت و کانون های هنری اروپایی ، آسیایی و افریقایی رو به امریکا نهادند و در امریکا دیدگاه ها و حرکت های هنری معاصر شکل گرفت . هرچند تعدادی از هنرمندان معاصر و نهاد های هنری در کشور های اروپایی متأثر شده از مینیمالیسم ها و مدرنیسم قرن بیست مخصوصاً شرایط بعد از جنگ های جهانی به تحرک های نمادین هنری از طریق نمایشگاه های مفهومی دست زدند ، عبدالحمید حسینی راد دبیر نمایشگاه هنر های مفهومی موزیم هنر های معاصر تهران می نویسد "به این ترتیب «هنر مفهومی» به عنوان جنبشی در کنار سایر جنبش های هنری دهه شصت که به قصد ارج شمردن مفهوم مورد نظر هنرمند بر چگونگی ارایه آن نمایان شده بود، با معنایی گسترده تر سایر جریان های هنری هم عصر خود را دربر گرفت و بر بسیاری از جنبش های هنری پس از خود و نحوه ارایه آثار هنرمندان به شدت تأثیر گذارد. به طوری که اگر چه هر کدام به نوبه خود دارای ویژگی ها و حتی نام خاصی است، اما در مجموع از نظر زیبایی شناسی بر اساس نگرش هایی که در هنر مفهومی ظاهر شد، شکل گرفتند." (حسینی راد ، عبدالحمید ، مقاله هنر های مفهومی ، در مجله الکترونیکی هنر طاووس)

هنرمندان در عرصه های مختلف از هنر های مفهومی پیامی گرفته و در شیوه های مختلف آثار خلق شده را به نمایش گذاشتند که در این شیوه ها مفهوم به حیث ماده اصلی آثار که در ذهن هنرمند شکل گرفته و هنرمند را وادار ساخته تا بر محوریت آن دست به خلاقیت بزند و اثری را در اندک زمان ممکنه ایجاد و با مخاطبین ارتباط قرار نماید .

1. **انستالیشن (Installation) :** - این هنر که از اوایل قرن بیستم بعد از پیروزی انقلاب 1917 شوروی وقت با طراحی های مالویچ و تاتلین که مکتب کانستراکتیویزم نیز شکل گرفت ، هسته گذاری شده و یکی از نتایج اصلی مدرنیسم که در اروپا رو به رشد بود شروع به فعالیت نموده ، تا بلاخره بعد از جنگ اول و دوم جهانی مخصوصاً دهه 70 به اوجش رسید . انستالیشن به هنری اطلاق میگردد که هنرمند با استفاده از ابزار و اشیای حقیقی فضا های بزرگ را در داخل ساختمان ها و نیز در بیرون از ساختمان ها مفهوم هنری داده و جلب توجه هنر دوستان نماید . به نقل از ویکیپدیا "انستالیشن استفاده کردن از عناصر مختلف است برای بیان تجربه هنرمند از «فضا» بی مشخص آنچه این هنرمندان در آن شریک است ، نه موضوع خام، مواد خام، یا روش های خاکار، بلکه، علاقه آنها و تعهدشان به دیدگاهی گسترده تر از آفرینش هنری واز این راه کشف خود است" (ویکیپدیا ، انترنت).

از مشخصات هنر اینستالیشن این است تا محیطی را در داخل ساختمان و یا در فضای آزاد با گذاشتن اشیای و وسایل عادی روزمره زندگی ، مفهومی داده تا بیننده را به تفکر واداشته و به زعم خودش به معنی و مفهوم هنری برسد .

به نقل از ویکیپدیا "از خصوصیات هنر انستالیشن فعال سازی یک محیط یا یک مفهوم با برخوردهای ظاهراً هنری است که باعث می شود اثر معنا و مفهوم و ارزش هنری پیدا کند " (ویکیپدیا ، انترنت).

مواد استفاده شده در هنر انستالیشن شامل طیف وسیعی از مواد ، وسایل و اشیای زندگی روزمره میباشد که یا بصورت تولیدی در مارکیت قابل دریافت است و یا در طبیعت بصورت وافر در دسترس هنرمندان قرار دارد . همچنان در این نوع

هنر مفهومی از وسایل مربوط به تکنالوژی مدرن نظیر فلم ، ویدیو ، کامپیوتر و به نقل از ویکیپدیا اینترنت قابل استفاده می باشد .

هنر انستالیشن از نامش هویدا است که در کارگاه های هنر و صنوف هنری اجرا نشده بلکه در فضا های وسیع ، باز چه در داخل ساختمان و چه در فضا های باز عمومی در خارج از ساختمان ها اجرا میشود . یکی دیگر از مشخصه های هنر انستالیشن این است که برای فضا های خاصی از قبل طراحی میگردد ، تا مطابق به اندازه ، سایز و فضای محل مورد نظر مطابقت داشته باشد .

اولین اثر هنر انستالیشن همانا اثر مارسل دوشان است "تصویر (1)" که بولدانی را با تغییر شکل و وارونه در نمایشگاهی به نمایش گذاشت، هرچند مورد انتقاد های زیادی قرار گرفت ولی بانی انقلاب هنر های انتزاعی گردید.



تصویر (1) اثر هنری مارسل دوشان (ویکیپدیا ، اینترنت)

2. **مینیمالیسم (Minimalism) :** مینیمالیسم مکتبی است که بعد از شکل گیری مدرنیسم برایش در زندگی اجتماعی بشر مخصوصاً هنرمندان جای پا باز نمود . تخریبات زندگی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی انسانها در اروپا بعد از جنگ های اول و دوم جهانی که متحمل خسارات زیاد گردیده بود ، نیاز به تکافوی نیازمندی ها بود ، و زمان به حیث بعد نهایت مهم در حیات بشر در کنار تلاش بشر برای طی نمودن راه و فاصله های چندین ساله به اندک زمان ممکنه ، باعث گردید تا پروسه تولید می باید خلاصه گردد و در اندک زمان ممکنه مفهوم مورد نظر هنرمند در قالب بسیار ساده بیان گردد . این طرز تفکر و فلسفه زندگی جدید در تمامی عرصه های زندگی بشر مخصوصاً اروپائیان که میزبان جنگ های جهانی بود و امریکائیان به شدت محسوس بود.

طرح مینیمالیستی در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی بشر سادگی را جایگزین زرق و برق دوره مدرنیسم و قبل از آن نمود .

دلیل اصلی اینکه چرا مینیمالیسم در رشته ها و زمینه های مختلف نفوذ کرده هنوز معلوم نیست اما خیلی ها آن را نفوذ هنر پاپیولار (هنر توده) یا (pop art) می نامند . زیرا مینیمالیسم بیشتر شبیه یک اصل است تا یک شیوه بصری . و تا زمانی که یک اصل باشد همه زمینه ها حتی طراحان معماری نمای ساختمان و طراحان صنعتی هم می توانند از آن استفاده و آن را توسعه دهند. کاری که در حال حاضر طراحان وبسایت و طراحان بصری (visual) در حال انجام آنند.

مهدخت یافتیان در مقاله طراحی مینیمال ، خلاصه تاریخچه و نکات کاربردی آن مینویسد "تأثیر مینیمالیسم در همه رشته ها و زمینه ها، زیاد و پر اهمیت است. همانطور که گفته شد مینیمالیسم پرزرق و برق نیست اما نفوذ و گسترش زیاد دارد" (یافتیان ، 4: 2).

با توجه به این موضوع این سوال پیش می آید که، به چه طرحی، طرح مینیمال گفته میشود؟

طرح مینیمال چیست؟

مهدخت یافتیان ، در مقاله اش مینویسد "مینیمالیسم، یک شیوه طراحی است که از قرن 20 میلادی شروع شده و تا به امروز ادامه دارد. شرکت های برجسته ای مانند اپل و طراحان گرافیک و بصری visual زیادی از آن پیروی می کنند. یک طرح مینیمال در واقع طرحی است که در آن فقط عناصر اصلی حفظ و استفاده می شوند" (یافتیان ، 4: 2).

مهدخت یافتیان به نقل از آقای لودویگ مایس وون طراح معمار در مورد مینیمالیسم می گوید:

" صحبت با شما: شعار ها و سخنان بزرگان در این مقاله به علت وسعت معنی و مفهوم و برداشت های مختلف خواننده به همراه اصل جمله بیان شده است . شما می توانید برداشت متفاوت از مفهوم این جملات داشته باشید . "Less is more" به مفهوم: با استفاده کمتر از عناصر، می توان، تأثیر بیشتری ایجاد کرد" (یافتیان ، 4: 2). و باز از باک مینیستر فولر در مورد مینیمالیسم نقل می نماید : " "Doing more with less" به مفهوم : انجام کارهای بیشتر با امکانات کمتر است" (یافتیان ، 4: 2).

"مینیمالیسم از اوایل قرن بیستم و تقریباً در سال 1920 با معماری شروع شد . بعد از جنگ جهانی، مهندس و طراح معمار، لودویگ مایس وون در روهه (Ludwig Mies van der Rohe) یکی از اولین افرادی بود که از قوانین مینیمالیسم در طراحی های خود استفاده کرد. علتی که طرح های معماری مینیمال به سرعت به معروفیت و محبوبیت رسید، استفاده طراحان از ابزار های مدرن مانند شیشه ، استیل و بتون در کارهایشان بود. در همین زمان بود که استاندارد سازی روش های ساخت و ساز شکل گرفت و در اجرای طراحی های موثر و ساخت ساختمان هایی با طرح مینیمال، کمک بسیاری کرد" (یافتیان ، 4: 2). مینیمالیسم در معماری در طول سالیان قرن بیستم از رشد و انکشاف قابل ملاحظه برخوردار بوده و شهر های جدیدی در کشور های مختلف با استفاده از طرح های مینیمالیسم به شهر سازی پرداخته اند. نمونه های جامع انکشاف یافته این نوع طرح ها را در شهر های دبی ، نیویارک و سایر شهر های امریکا ، کوریای جنوبی و شهر های در کشور چین میتوان دید .

هنر مینیمال به صورت ویژه ای در دهه 1960 م در آمریکا رشد کرد. این هنر مشابه جنبش (De Stijl) ، روی نقاشان آن دوره برای بیان هنر انتزاعی، تأثیر گذاشت و آنها در طرح هایشان فقط از اشکال هندسی ابتدائی و بدون تزئینات و عناصر اضافه استفاده می کردند.

بلاخره این هنر و طرز دیدگاه آن رشد نموده و به شرق نیز سرایت نمود . در کشور ما متلی وجود دارد که برگرفته از طرح منیمالیستی میباشد . "از کمترین زمان ممکنه بیشترین استفاده " که در حیات روزمره اجتماعی و اقتصادی مردم ریشه دوانیده و معمولاً کارفرمایان و صاحبان کارگاه ها از این طرح استفاده می نمایند .

3. هنر اجرایی (Performance Art) :

به نقل از ویکیپدیا (Performance Art) را هنر اجرا و یا هنر نمایش ترجمه کرده اند و یکی از شیوه های هنر های مفهومی است که میتواند از قبل طرح آن روی کاغذ آمده باشد و نیز میتواند بصورت تصادفی و در آن واحد به خاطر هنرمند بیاید و روی صحنه اجرا گردد . به این معنی که میتواند خودجوش و ذاتی یا دقیق و از قبل از طرف هنرمند طراحی شده باشد . هنرمندان این سبک هنری معتقد اند که این هنر میتواند از طریق رسانه ها اجرا شود و نیز میتواند بصورت زنده و در محضر عام اجرا گردد .

شکلی از هنر متشکل از عناصری از تئاتر ، موسیقی و هنر های تجسمی . این سبک با هپنینگ ارتباط دارد (گاه این دو اصطلاح را مترادف هم به کار می برند) اما هنر اجرایی (برخلاف هپنینگ) معمولاً با دقتو تأمل بیشتری برنامه ریزی می شود و عموماً بیننده در آن مشارکتی ندارد" (چیلورز، آزون ، 1: 197).

در هنر اجرایی عناصر چهار گانه شرط اساسی و اصلی میباشد . زمان ، مکان ، اجراکننده و مخاطب و یا حضور رسانه آن و رابطه میان اجراکننده و بیننده . در این نوع هنر مفهومی نمایش از نوع موسیقی ، تئاتر و سایر انواع هنر های تجسمی نقش دارد. نقش این هنر ها با انجام دادن مرتبط میباشد .

این هنر که از بطن هنر تجسمی بیرون شده در دهه شصت قرن بیست میلادی بوجود آمد . از مشخصه های این هنر است که میتواند در هر جایی و هر مکانی و برای هر مدتی که لازم باشد اجرا گردد . بنام هنر زنده را نیز برای این هنر داده اند . این هنر معمولاً محتوای سیاسی ، اجتماعی و فلسفی داشته و از شاخه های هنر مفهومی محسوب میگردد .

یکی از مشخصه های اساسی این هنر این است که یک بار اتفاق می افتد و تکرار نمیشود . و از قبل طرح آن معین نبوده و بنابر نیاز زمان و مکان پیام هنرمند به مخاطبان انتقال میگردد . اینکه مخاطبان و بینندگان از این اجرا چه برداشت کرده اند مربوط به آنان میباشد . هنرمند نیاز آنرا ندارد تا در مورد طرح هنری اش و یا در مورد مفهوم اثر هنری اش ، بعد از اجرا بنشیند و بیان نماید تا مفهوم اثرش آنچه که خود در مفکوره دارد بیان نماید .

سمیه رمضان ماهی در نوشته انترنتی تیبیا نیت مینویسد . "هنر پرفارمنس یکبار اتفاق می افتد و در صورت تکرار دیگر پرفورمنس نخواهد بود . و در ادامه مینویسد پرفورمنس آرت از قطعات مجزا و غیر مرتبط به هم تشکیل شده است ." او در مورد تاریخچه این هنر می افزاید " این سبک هنری در اوایل دهه 1970 میلادی آغاز شده و بتدریج شکل گرفته است . و باز همه آنها اتفاق نظر دارند که پرفورمنس ، خاستگاه نظریش نمایش گونه هایی بوده به نام (happening) که اصولاً آن را به (اتفاقیهای دیدنی) ترجمه کرده اند " (رمضان ماهی ، انترنت ، مقاله هنر انتزاعی اجرا).



تصویر (2) پرفارمنس آرت (هنر اجرایی) از شبکه تلویزیونی طلوع (برنامه شبکه خنده)

4. **هنر روایتی (Narrative Art) :** این هنر چنانچه از نامش هویدا است بازگو کننده قصه ها و روایات در یک لحظه و یا هم بصورت دوامدار میباشد . هنر روایتی از قدرت و توانایی تصویر بصری استفاده میکند تا تصور و تخیل را شعله ور سازد . دیده شده که بعضا تصاویر نیز از حوادث تاریخی و گذشته حکایت میکند ولی بعضا دیده شده که تصاویر به دلیل عدم تخصصی بودنشان داستان ها را بصورت کامل و درست روایت نمیکند.

5. **هنر زمینی (Land Art) :** - این نوع هنر مفهومی بیشتر در امریکا شکل گرفت و هنر مندان با مراجعه به زمین مفاهیمی را با تغییراتی روی زمین به وجود آوردند که باعث توجه بیشتر مردم و نهاد های دولتی گردید . این حرکت و جنبش هنری در سال های بعد از جنگ دوم جهانی شکل گرفت در سال های که این هنر در حال شکل گیری بود تعدادی از هنرمندان در امریکا و اروپا کارگاه های خود را واگذاشته و برای استفاده از فضاهای بزرگ و کار مستقیم در طبیعت به دریا، مزارع، بیابان ها ، جنگلات و مکان های دور از دسترس روی آوردند.

"لندآرت در تلاش برای باز پس گیری طبیعت به عنوان فضایی که اجازه درك حسی را می دهد و در آن ارتباط بشر و محیط دوباره میسر می شود، در واقع پاسخی است به پرسشهایی پیرامون چگونگی توسعه زبانی نو در لنداسکیپ. در حقیقت در این حیطه، لندآرت به کلمه ای مورد پسند تبدیل شده است" (وبسایت هنر ، مقاله هنر لند آرت چیست).

عده هنرمندان که کارهایشان تحت عنوان Land Art دسته بندی شده است آثاری در ابعاد بسیار بزرگ و در پهنای طبیعت ، ساحل دریا ها ، تپه ها و ... بوجود آوردند که به مرور زمان و بر اثر تغییرات طبیعی از بین رفته. خلق آثار ناپایدار و میرا که نشانگر شور دو جانبه میان انسان و طبیعت بود و در عین حال نقش مشترک آن ها را در عالم هنر به نمایش می گذاشت، بازگشت به خاطرات افسانه ای و اسطوره های زندگی انسان در روزگاران بسیار دور را تداعی می کرد .

آقای آ. محمدیان در مقاله هنر محیطی و تفاوت آن با هنر زمین از هنر زمین چنین تعریف مینماید " تعریف هنر زمین در دایره المعارف هنر روز زن پاکباز چنین آمده است : یکی از گرایش های هنر مفهومی که از اواخر دهه 1960 و اوایل دهه 70 در امریکا پدید شد و هدف آن تاکید بر وحدت هنر و طبیعت بود کسانی چون رابرت اسمیتسون به مدد

تجهیزات خاکبرداری دست به تغییر و جابه جایی چشم انداز های طبیعی زدند و آثاری در مقیاس بزرگ به وجود آوردند که فقط به وسیله عکس و فیلم قابل ارائه بودند. مثلا اسکله حلزونی به طول 450 متر و عرض 5/4 متر در دریاچه شور بزرگ یوتا . در این گرایش چون دیگر گرایش های هنر مفهومی ایده ی هنرمند بیش از محصول کار اهمیت دارد " (مجدیان ، به نقل از پاکباز 1379 ص 654 ، تعریف هنر محیطی از نظر تاریخی و تعریف امروزی تفاوت هنر زمین با هنر محیطی ، وب سایت سازمان زیبا سازی شهر تهران)

هرچند هنرمندان با خلق آثار که بعد از چندی تخریب شده از بین میرفت ، تحولی را در حفظ محیط زیست به میان آوردند که بعضی از این آثار با وجود اینکه از بین رفته ، محل که در آن اثر خلق گردیده بود به حیث بخشی از میراث فرهنگی از طرف مردم و نهاد های محیط زیست ساحات قابل حفظ اعلان گردیده است .



تصویر (3) هنر مفهومی زمینی (Land Art)

هنر و زبان (Art And Language): به نقل از ویکیپدیا "در سال 1968 گروه هنرمندان انگلیسی موسوم به "هنر و زبان Art and Language" حول پرسش از رابطه میان نظر و عمل در خلاقیت هنری شکل گرفت. این گروه هنری با نفی هنر برای هنر و شیوه های بازمانده از هنر مدرن سرچشمه مفهوم در هنرهای تجسمی و بصری را زبان می دانستند و به همین دلیل در آثار خود از کلمات و توصیف نوشتاری بهره گرفتند. در کنار همین هنرمندان بود که جوزف کاسو Joseph Kosuth متولد 1945 با استفاده از نوشتار، بسیاری از آثار خود را به روی سطوح مختلف به وجود آورد" (ویکیپدیا هنر و زبان).

در ادامه مینویسد (افراطی ترین گروه کانسپچوال پیروان این مکتب بودند که در سال 1968 توسط هنرمندان انگلیسی – با تفکر اینکه مفهوم هنر با کلمات و توصیف نوشتاری رسم می گردد و بیان می شود – به وجود آمد . هنرمندان این گرایش به نفی اندیشه هنر برای هنر رایج در زمان خود پرداختند و سرچشمه مفهوم هنر را زبان می دانستند" تصویر (4) ، (ویکیپدیا ، هنر و زبان).

نویسنده مقاله ساختار و گرایشات در هنر مفهومی در وب سایت مجسمه ایران به قول لارنس وینر از بنیانگذاران این سبک مینویسد "بدون زبان ، هنر وجود ندارد" (لارنس ، مجله انترنتی مجسمه ایران ،).

این شیوه ساحه وسیعی را در خدمت هنرمندان خود قرار داده . در کشور های که هنر مفهومی در آن جای برای نفس کشیدن دارد و رسانه های چاپی در زندگی فرهنگی جایی اخص دارد مدیا و رسانه های چون روزنامه ، مجله ، کتاب

، دستگاه کاپی و سکرها ، تلگراف و ... جایگزین نقاشی و مجسمه شدند و هزاران راه کار تازه برای هنرمندان آن باز شد . مقاله مذکور در مورد آثار هنری این سبک مینویسد "زندگی ، مرگ ، می داند ، نمی داند" نام اثری است از بوریس نومان که با این اندیشه خلق گشته است . "یک و سه صندلی" اثر دیگری است از جوزف کاسوت Joseph Kosuth متولد 1945 که در آن به نمایش 3 صندلی می پردازد ؛ یک صندلی چوبی حقیقی ، یک تصویر صندلی قاب شده بر دیوار و دیگری تفسیر و بیان نام صندلی برگرفته از دایره المعارف . هر سه در کنار هم واقعیت مضمون شی و اثر هنری را مورد پرسش قرار داد " (لارنس ، مجله انترنتی مجسمه ایران ،).



تصویر (4) اثر سه چوکی جوزف کاسوت

"استفاده "مل پاکتر" از زبان به اندازه استفاده کاسوت از آن ناب و خالص نبود ، زیرا پاکتر به تجربه مکانی ، و در کنار آن تجربه فکری بیننده نیز توجه داشت. و لی آثار که بوجود آورد به همان اندازه آثار کاسوت کامل و متکی به برداشت های فلسفی بود" (حاتمی رامشه ، 2: 22).

در اینجا نقش کاسوت در بیان و معرفی روش بیان هنر مفهومی توسط زبان و ادبیات مورد بحث میباشد . کاسوت در اثر تاریخی است به اثبات رسانید که زبان به حیث بیان کننده خوبی تکمیل کننده اثر هنر های مفهومی میباشد .

6. هنر ویدیو (Video Art): ارائه یک مفهوم با تصاویر متحرک و صدا

تحولات وسیع در جوامع اروپایی و امریکایی که باعث گردید هنر های مفهومی شکل گرفته و انکشاف نماید هنر ویدیو هم در این بستر هموار به دنیا آمده شکل گرفت و در دهه 60 زمانی که رابطه انسان و طبیعت مجددا مورد پرسش قرار گرفت ، هنرمندان با استفاده از دستاوردهای تکنولوژی قرن بیست برای بیان مفاهیم و موضوعات هنری خود به ثبت تصویر و صدا - بدون محدودیت از نظر قواعد سینمایی و فلم سازی (دایرکت ، سناریو ، منتاژ ، ادیت) عصر خود - و پخش آن در نمایشگاهها پرداختند . در این فلم های ویدیویی هنرمندان خواستند تا مفاهم را در سایه منیمالیسم در پارچهای کوتاه ثبت نموده و در بخشی از نمایشگاه ها نشر نمودند.

7. هنر بدن (Body Art): ارائه یک مفهوم با به کارگیری اندام بدن انسان - در ویکپییدیا آمده "از سوی دیگر کسانی قابلیت های اندام انسان و حالات آن را بیش از هر ابزار دیگری برای ایجاد ارتباط با مخاطبین آثار هنری مناسب دانستند. آن ها گاه با تلفیق ویژگی های هنر تجسمی و حرکات اندام و توانایی های بازیگری و گاه با ایجاد خشونت و رفتارهای انزجارآمیز با جسم انسان - که معمولا خود هنرمند آن را به نحوی انجام می داد که به صورتی تکان

دهنده مؤثر باشد، مفاهیم مورد نظر خود را اجرا می کردند. آثار این عده از هنرمندان ذیل عناوین Body Art، Happening و Performance نامیده شده است" (ویکیپدیا، انترنت).

گرایش استفاده از اعضای بدن و از برجسته گی ها، موقعیت ها و حرکات اعضای بدن به حیث ابزار که بتوان رابطه را بین هنرمند و مخاطب تامین میکند، از نیمه دوم دهه 1960 بعد از به میان آمدن هنر های مفهومی آغاز گردید. این سبک هنری بیشتر متأثر شده از فرهنگ سرخپوستان و اقوامی چند در کشور های افریقایی میباشد. اعضای جوامع افریقایی بنابر موقف اجتماعی و موقعیت خود، صورت و یا بخشی از اعضای بدن خویش را با تاسی از مفاهیم سنتی اجتماعی خویش نقاشی و یا خال کوبی نموده و در مراسم خاص بومی و بعضاً در جنگ ها حضور میافتند. البته انتقال مفاهیم وسیع با تنها نقاشی در بخشی از اعضای بدن و یا در کل بدن باعث گردید تا بعد از ایجاد مکتب هنری هنر های مفهومی، عده از هنرمندان را به این سو کشانیده تا بصورت ساده مفاهیم مورد نظر هنرمند توسط نقاشی های که بنام (tattoo) یاد میگردد در محضر مخاطبین قرار میدهند. این سبک هنر در این اواخر پیروان زیادی پیدا کرده و امریکا و اروپا برای هنرمندان یک شغل درآمد زایی تبدیل گردیده است. این هنر بصورت بومی در کشور های جنوب آسیا چون هندوستان، بنگله دیش، افغانستان و پاکستان نیز ریشه دارد که بصورت طرح های گل و برگ با خطوط مینیاتوری تنها در کف دست ها با استفاده از گیاه حنا انجام میپذیرد.



تصویر (5) هنرمند هنر بدن در حال طراحی بدن یکی از دوستانان هنر های مفهومی(ویکیپدیا، انترنت)

با درک قابلیت های اندام انسان و حالات آن توسط هنرمندان این سبک، اندام را بیش از هر ابزار دیگری به ایجاد ارتباط با مخاطب مناسب دانسته و حرکات اندام و توانایی های بازیگری و گاه ایجاد احساساتی چون خشونت و رفتار های انزجار آمیز با جسم انسان را برای بیانیه های انتقاد آمیز خود از شرایط حاکم در اجتماع و یا درونیات خود بکار گرفته و هنرمند مفاهیم مورد نظر خود را بصورت تکان دهنده ای به اجرا و نمایش در می آورد. در نوشته انترنتی بادی ارت که نویسنده آن معلوم نیست آمده است "گر چه این گرایش از نیمه دوم دهه 60 آغاز گردیده بود ولی به نوعی ریشه در مراسمات آئینی اقوام پرمیتیو داشت. زمانی که در اقوام سرخپوست هر شخص بنا به موقعیت خود، صورت و اندام خود را - با درک مفاهیم از خود و اجتماع خود - منقوش و در مراسمات و حتی جنگها حضور می یافت. ربکا هورن از هنرمندان زن آمریکایی است و در این سبک، یکی از متخصصین نقاشی روی بدن و "هنر اندامی" می باشد. وی با اضافه کردن تجهیزاتی از عاج و چوب و چرم و فلز به اندام زنده انسان بیانهای اسطوره ای می دهد" (انترنت، مقاله زیر نام بادی ارت).

8. هنر اتفاقی (Happening Art) : ایجاد مفهوم به وسیله یک اتفاق در محیط و نتایج آن.

به نقل از ویکیپدیا "این هنر به زیان ساده عبارت از استفاده از اشیاء ساده مستعمل و ترکیب آن ها به شکل های جدیدی بر مبنای مفهومی که هنرمند دارد. این هنر به حیث شیوه از هنر مفهومی در سال های 50 و 60 قرن بیست میلادی در ایالات متحده امریکا شکل گرفت. البته در شکل گیری این سبک هنری تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی غرب (اروپا و ایالات متحده) بعد از تحولات سیاسی جهان یعنی جنگ اول و دوم جهانی و بلاخره مکتب هنرهای مفهومی در مجموع نقش اساسی داشته است. آقای آلان کاپرو (Allen Kaprow) هنرمند امریکایی کسی بود که در سال 1950 ساخت مجموعه تحت نام "سرهم سازی ها" را آغاز کرد. او با استفاده از اشیای مستعمل و نابکار ترکیبی ساخت با مفهوم جدید. بنأ در تاریخ هنر معاصر آقای آلات کاپرو را بنیان گذار هنر مفهومی اتفاقی نام میدهند. از آثار مشهور این هنرمند بزرگ دیوار شیرین است که در کنار دیوار برلین با استفاده از خشت های شکسته و نابکار و پسماده های غذای صبحانه (مریبا و عسل و نان های خشک) به حیث مصالح ساختمانی دیواری ساخت که بعد از چندی اثری از آن بجا نماند این اثر که دلالت بر به بیهودگی دیوار برلین میکرد در نزدیکی دیوار برلین ساخته شده بود. و یا اثر "مایعات" میباشد. این اثر که در شهر شیکالو طراحی شده بود طوری بود که ساختمان های عظیم الجثه یخی در چند گوشه از شهر به نمایش گذاشته شده و تا آب شدن کامل یخ که جز، قسمت عظیمی از آب از آن باقی ماند و محو گردید. هنر به مثابه بازتولید لحظه ای درخشان و منحصر به فرد است که تنها یک بار به ظهور می رسد و شامل اصوات، حرکت، رنگ و روانشناسی است" (ویکیپدیا، انترنت).

ریچارد سخنر در کتاب اش زیر نام "نظریاتی در باره اجرا" به معرفی و تطبیق آثار کاپرو پرداخته و او را یکی از تاثیرگذار ترین هنرمندان معاصر در گستره هنر های اجرایی قلمداد کرده است" (وبسایت Cloob.com) نوشتاری از الان کاپرو).

از آقای کاپرو اثری بنام هنر اتفاقی، هنر محیطی بجا مانده که نقش و تاثیر هنر اجرایی اتفاقی را در بین هنر های معاصر به شرح کامل گرفته است. این اثر که توسط علیرضا امیرحاجبی ترجمه شده در وبسایت تاتر به نشر رسیده است.

آقای کاپرو در خلق آثار هنر های اتفاقی به چند پدیده به عنوان ابعاد تشکیل دهنده اثر اشاره دارد: وسایل مستعمل و نابکار، زمان، تصادف و فرصت و مفهوم در اثر.

آقای کاپرو از هنر مفهومی اتفاقی چنین تعریف مینماید " اثر یا اجرای اتفاقی باید به جابجایی وسیع مکانی دست زده و به گسترش آن بپردازد. یک اجرا منحصر به فرد باید فضای پیرامون خود را تحت تاثیر قرار داده و خود را از وضعیتی ایستا (Static) خارج کند در چنین شکلی، اجرا به مانند عملی تاتریکال واجد معنای خاص می شود" (وبسایت Cloob.com) نوشتاری از الان کاپرو).

او در ادامه نوشته اش در مورد اهمیت زمان در هنر اتفاقی مینویسد " زمان مسئله ای است بسیار مهم و مورد توجه. زمان در هنر اتفاقی باید واقعی و ناپیوسته باشد. زمان در شکل طبیعی خود می تواند فضا های متعدد را در یک توالی (Sequence) حفظ و به نمایش گذارد" ((وبسایت Cloob.com) نوشتاری از الان کاپرو).

در بهار سال 1395 هـ ش تعدادی از هنرمندان مفهومی در کابل جمع شده و روی یک حرکت نمادین اجرایی در جاده دارالامان کابل باعث خلق اثری گردیدند.



تصویر (6) هنر مندان افغانی در یک نمایش هنر انتزاعی در شهر کابل (کلکسیون عکس های هنری محمد رفیع بیان)

9. **هنر فرایندی (Process Art)** : ارائه یک مفهوم با استفاده از مواد ناپایدار و ثبت آن با استفاده از فن عکاسی. پروسس آرت را میتوانیم یکی از انواع و شیوه های هنر های مفهومی بدانیم , به نقل از ویکیپدیا "هنر فرایندی یا پروسس آرت جنبشی هنری بود که در ادامه مکتب کانسپچوال آرت یا هنر مفهومی در دهه هفتاد میلادی مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. یکی از مهمترین هنرمندان این دهه، ایوا هسه نام داشت . که در قبل از جنگ جهانی دوم از اروپا به امریکا مهاجرت نموده و با خلاقیت های هنری داشت این شیوه هنری را در پیش گرفته و به اوج رسانید . شیوه کاری این هنر مفهومی طوریست که یک مفهوم با استفاده از مواد ناپایدار اثری را ایجاد نموده و با فن عکاسی ثبت میگردد" (نوربرت ،3: 501).



تصویر (7) تصویری از هنر فرایندی (ویکیپدیا ، انتر نت)

نتیجه گیری

بشر در طول زندگی اجتماعی اش سایه و همیار دایمی داشته که در بیشترین اوقات دیدگاه های فلسفی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی خویش را بوسیله آن ابراز نموده است . هنر ، همسفر قافله زندگی بشر در شرایط مختلف توانسته با الهامات از محیط و فلسفه درونی هنرمند ناگفته های درونی و امیال وی را در محتویات آثار هنری تبارز دهد . و به مثابه دوست دایمی بشر از دیرباز همسو با تفکرات انسانی در تحول بوده و امواج وار راه طولانی زندگی را در کنار انسان طی نموده است .

گاهی هنر در قالب معماری و گاهی در قالب مجسمه و گاهی در قالب موسیقی و تیاتر و گاهی در لابلای شعر و ادب و نقاشی داشته های درونی هنرمندان را بیرون کشیده ، زیبایی آفریده و عطش زیبایی شناختی هنر دوستان و هنرجویان را سیراب نموده است . در این کاروان طولانی زمان هنر خود قالب ها و چهارچوب های دیده و چون امواج خروشان دریا کاروان تمدن بشری را با سپری نمودن پستی ها و بلندی ها همچون امواج دریا قلعه های رشد ، انکشاف و شکوفایی را پیموده است و به ساحل سیراب شدن مخاطبان رسیده است .

در قافله تمدن بشری هنر دوره های متنوعی را سپری و مفاهیمی بس متفاوت را در لابلای آثار هنری خلق شده تجربه نموده است ، طرز تفکر کلاسیزم ، مدرنیسم و انتزاعی مراحل بس مهم و متفاوت که بر اساس نیاز ، شرایط اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی اجتماعات بشری در قاره های مختلف بر دوش هنر تحمیل گردیده است .

تمدن کلاسیزم که قرون متمادی حاکم بی چون و چرای عرصه های مختلف زندگی بشر بود ، هنر را با تعاریفی فلسفی و اجتماعی که داده بود در آغوش خود پرورانیده با کلیه زیبایی های منحصر به فردش به باد مدرنیسم سپرد . این تحول در زندگی بشر که هسته آن در بتن زندگی انسان شخم زده شده و از جریان حوادث سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی سیراب گردیده بود در قرون هفده و هژده سر از جامعه بشر بیرون آورده و مدرنیته را به حیث خواستگاه جدید انسان برای انسان عرضه داشت .

هنر به حیث یکی از ضمایم اساسی و اصلی فرهنگی زندگی بشر نیز دست خوش تحولات شده و با تاثیر از قانونمندی مدرنیسم رنگ و شمایل جدید بخود گرفت . هنجار شکنی و سنت شکنی در اصول و فلسفه هنر آغاز گردیده و موازی با آن زیبایی شناسی نیز مفهوم جدیدی بخود گرفت . هنرمندان در اقسا نقاط کره خاکی دست به خلاقیت های زدند که "هنر برای هنر" پایگاه هنری اش را به شعار مدرنیسم سپرد. تحولات زندگی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی جوامع ، مخصوصاً جوامع اروپایی و امریکایی که به سرعت غیر قابل پیش بینی شکل میگرفت زمینه را برای شکل گیری اصول جدید زندگی بشر مهیا میساخت . زمان به حیث یکی از ابعاد مهم زندگی میرفت تا از اهمیت فوق العاده برخوردار گردد . صرفه جویی در اصول زندگی جای تجمل گرایی را اختیار کرد .

در این یک چنین اوضاع و احوال که مسیر اصلی زندگی در سر چهار راه قرار داشت ، مارسل دوشان با یک حرکت نمادین انقلابی را آغاز نمود که هرچند در همان زمان مخالفینی نیز داشت ولی در اندک زمان ممکنه طرفداران زیادی به جنبش فکری او پیوست . نقش هنر بصورت بسیار برجسته در مسیر شکل دهی زندگی بشر آشفته هویدا گردید ، هنرمندان زیادی از گوشه و کنار کره خاکی به دعوت فلسفه جدید هنر لبیک گفته شیوه های بیان دیدگاه های شان را در محضر عام قرار دادند . بیشترین حرکت ها برای یکبار انجام شده و به تاریخ پیوست و جز تصاویر و ویدیو ها چیزی از آنها بجا نماند.

این حرکت جدید بیشتر در جوامع اروپایی و امریکایی که از جنگ دوم جهانی بیشترین آسیب ها را دیده بودند ، مورد قبول عامه مردم و بطور اخص قشر هنرمند قرار گرفته و به سرعت بسوی قاره های زرد و سیاه در حرکت بود حتی در سنتی گرا ترین مجامع نیز برایش جاه پا باز نموده و بصورت روزافزون در انکشاف و شکوفایی بود .

در یک دهه اخیر در افغانستان که هنوز که هنوز است از یک سو مردم زیر سایه شوم جنگ های داخلی به سختی و مشقت بسر میبرند و از سوی دیگر که سنت ها و هنجار های قرون وسطی در زندگی مردم حاکم است ، شاهد حرکت های نمادین و انتزاعی هستیم که نشانگر روحیه تجدد پرستی ، سنت شکنی و هنجار شکنی مردم میباشد . هنر های انتزاعی چون اتفاقی ، روایتی ، اجرایی ، انستالیشن ، ویدیویی و بدن از جمله هنر های مفهومی است که در شهر های مهم افغانستان توسط هنرمندان جوان به نمایش گذاشته شده است . این نمایشات بصورت طبیعی انعکاسات متفاوتی داشته . عده از مخاطبین را به انتقاد واداشته ولی عده زیادی از بیننده گان انگشت تحسین به دندان برده اند . این سبک نو ظهور در افغانستان رو به رشد و انکشاف بوده و با گذر زمان تعداد هنرمندان و هواخواهان آن رو به افزایش میباشد .

عبدالوحید خلیلی تابستان 1395 ه ش

ماخذ:

1. آذربورن هارلد ، چیلرز هارولد و دیگران ، ترجمه ، گشایش ، فرهاد ، 1386 ، تهران ، انتشارات مارلیک
2. حاتمی ، میثم رامشه ، تاریخچه هنر مفهومی و هنرمندان آن ، مرکز الکترونیک کتابهای پارس
3. نوربرت ، لینتن ، هنر مدرن ، ترجمه رامین علی ، 1382 ، تهران ، نشر نی
4. یاقتیان ، مهدخت ، طراحی مینیمال (خلاصه تاریخچه و نکات کاربردی) ، 1391 ، تهران .